زن خطاکار به احترام محرم بخشیده شد

■ غلامرضا مسکنی

زنی که دو سال قبل شوهرش را با همدستی مرد جوانی به قتل رسانده بود به احترام ماه محرم از سوی اولیای دم بخشیده شد.

یکی از روزهای مردادماه ۱۴۰۰ به مأموران پلیس تهران خبر رسید مردی زخمی سه روز پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات فوت کرده است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی بیمارستان شدند و در آنجا با جسد مرد میانسالی به نام حبیب روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات جسم سخت به سرش به قتل رسیده بود.

بررسی‌ها حکایت از آن داشت، مرد فوت شده همراه همسر و فرزندانش، سرایدار شرکتی در شمال غرب تهران بود که سه شب قبل به گفته همسرش در درگیری با سارق ناشناسی زخمی و به بیمارستان منتقل می‌شود.

همسر مقتول در ادعایی گفت: «شوهرم معمولاً در محوطه ساختمان می‌خوابید و من و دو فرزندم در اتاق. شب حادثه با فریادهای آی دزد شوهرم از خواب بیدار شدم و وقتی به حیاط ساختمان رفتم، دیدم شوهرم خونین روی زمین افتاده و از اورژانس و پلیس درخواست کمک کردم.»

■ **صحنه‌سازی**

با طرح این ادعا، مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی تحقیقات خود را برای شناسایی قاتل آغاز کردند. مأموران پلیس در بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه دریافتند ادعای همسر مقتول دروغ است، چون لحظه حادثه دوربین‌های مداربسته رفت و آمد هیچ فرد غریبه‌ای را به شرکت ثبت نکرده بودند. از سوی دیگر مشخص شد مقتول و همسرش از مدتی قبل با هم اختلاف پیدا کرده‌اند تا جایی که بستگان آنها در جریان درگیری و مشاجره‌های لفظی آنها بوده‌اند. تحقیقات مأموران نشان داد زن میانسال در جریان قتل همسرش است و با داستان‌سرایی و صحنه‌سازی دروغین قصد فریب مأموران را دارد.

بدین ترتیب وی به دستور بازپرس پرونده بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد.

■ **اعتراف دروغین**

متهم در بازجویی‌ها ابتدا همان ادعای قبلی را تکرار کرد، اما وقتی مورد بازجویی فنی قرار گرفت این‌بار در ادعایی جدید گفت: «محل سرایداری ما دو نگهبان به نام‌های صمد و بهروز دارد و من رابطه خوبی با صمد داشتم. وقتی با شوهرم اختلافم زیاد شد برای صمد درددل می‌کردم و او هم تصمیم گرفت شوهرم را به قتل برساند. من مخالف قتل شوهرم بودم، اما او تصمیم جدی خود را گرفته بود و شب حادثه هم با شوهرم درگیر شد و با میله آهنی چند ضربه به سرش زد. پس از این حادثه او از من خواست با داستان‌سرایی دروغین قتل شوهرم را به گردن سارق ناشناسی بیندازم.

با اعتراف متهم، مأموران صمد را بازداشت کردند، اما وی در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کرد. وی گفت: «من با مقتول رابطه خوبی داشتم و از طرفی هم می‌دانستم او با همسرش اختلاف دارد. هر زمانی که همسرش با من درددل می‌کرد، او را نصیحت می‌کردم، چون شوهرش مرد خوبی بود. او دروغ می‌گوید که من شوهرش را به قتل رسانده‌ام.»

■ **عذاب‌وجدان**

مأموران پلیس در ادامه تحقیقات متوجه شدند همسر مقتول با بهروز و نگهبان دوم هم ارتباط داشته و حتی شب حادثه با او تلفنی صحبت کرده است. در چنین شرایطی مأموران، بهروز را هم بازداشت کردند و او را مورد بازجویی قرار دادند، اما بهروز هم جرم خود را انکار کرد. درحالی که هشت ماه از حادثه گذشته بود همسر مقتول اعتراف کرد شوهرش را خودش به قتل رسانده است.

وی گفت: «شوهرم مرد دهن‌بینی بود و همه اسرار خانه را برای دوستان و بستگانمان تعریف می‌کرد. من و فرزندانم از کارهای او ناراحت بودیم و همین موضوع باعث درگیری ما می‌شد. مدتی قبل از حادثه با بهروز درددل کردم و هرازگاهی هم تلفنی با او حرف می‌زدم تا اینکه به هم وابسته شدیم. او پیشنهاد داد شوهرم را به قتل برسانم و بعد با او ازدواج کنم. من فریب او را خوردم و شب حادثه با میله آهنی به سراغ شوهرم که خوابیده بود، رفتم و چند ضربه به سرش زدم. پس از این بهروز نقشه ساختگی را طراحی کرد و گفت قتل را به گردن سارق ناشناس بیندازم و بعد هم دوباره نقشه‌اش را تغییر داد و گفت قتل را به گردن صمد بیندازم. در این مدت عذاب‌وجدان رهایم نکرد، به همین دلیل تصمیم گرفتم واقعیت را بگویم.»

با اعتراف زن میانسال، مأموران صمد را آزاد کردند و قاتل و همدستش را به زندان فرستادند.

■ **بخشش**

در حالی که متهم قرار بود پس از تکمیل پرونده به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران به جرم قتل شوهرش محاکمه شود، دختر ۱۶ ساله او به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی رفت و اعلام کرد مادرش را به احترام محرم بخشیده است. با اعلام بخشش یکی از اولیای دم، رئیس قوه قضائیه هم برای فرزند کوچک مقتول درخواست دیه داد. بنابراین متهم به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

رانندگی با جسد از پایتخت تا کازرون

■ جلال مهرگان

پسر نوجوان وقتی متوجه شد مرد میانسال قصد ازدواج با مادرش را دارد، او را به قتل رساند و جسدش را در صندوق عقب خودرو گذاشت و به سمت شهرستان کازرون رانندگی کرد. او پس از دفن جسد در بیابان‌های شهر بازداشت شد.

اول خردادماه امسال زنی به مأموران پلیس شهرری خبر داد شوهرش گم شده است. او گفت: شوهرم که مردی ۵۵ ساله است، شغل آزاد و درآمد خوبی دارد. او روز گذشته برای فروش خودروی سواری پرشیای خود از خانه بیرون رفت، اما دیگر برنگشت. در این مدت همراه خانواده‌ام به دنبالش گشتیم، ولی خبری از او پیدا نکردیم و گوشی تلفن همراهش هم خاموش است. احتمال می‌دهیم اتفاقی برایش افتاده باشد که درخواست کمک داریم.

بعد از مطرح شدن این شکایت، تیمی از کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران در این‌باره تحقیق کردند.

■ **ارتباط پنهانی**

بررسی تماس‌های مرد میانسال نشان داد که او با زنی ۴۴ ساله ارتباط پنهانی دارد، برای همین زن میانسال که پرستار زوجی سالخورده بود مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: من اهل شهرستان کازرون هستم و مدتی قبل از شهرستان برای کار به تهران آمدم و به عنوان مستخدم در خانه زوج سالخورده مشغول به کار شدم. در این مدت با مرد میانسالی آشنا شدم و با وجود اینکه می‌دانستم متاهل است با هم در ارتباط بودیم. آخرین بار هم متوجه شدم که قصد فروش خودروی سواری‌اش را دارد، اما بعد از آن دیگر از او خبری ندارم. چند بار با او تماس گرفتم، اما به تماس‌هایم جواب نداد. احتمال دادم همسرش از رابطه ما باخبر شده و برای همین به تماس‌هایم جواب نمی‌دهد.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها شماره پلاک خودروی مرد گمشده در سامانه پلیس ثبت و تحقیقات برای متوقف کردن آن به جریان افتاد تا اینکه مأموران خودروی مورد نظر را در شهرستان کازرون ردیابی کردند و بعد از متوقف کردن آن راننده‌اش را که پسری ۱۹ ساله بود، بازداشت کردند.

■ **کشف قتل**

تحقیقات از راننده نشان داد که وی پسر همان زنی است که با مرد گمشده در ارتباط بود. همزمان با دستگیری پسر نوجوان، مادر او راز قتل مرد گمشده را برملا کرد. او گفت: روز حادثه پسرم با مرد میانسال برای خرید خودرویش قرار ملاقات گذاشت که در جریان اختلافی که با هم پیدا کردند، پسرم وی را به قتل رساند و جسدش را به شهرستان کازرون منتقل کرد.

■ **اعتراف به قتل**

پسر نوجوان هم وقتی مورد بازجویی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد. او گفت: مدتی قبل متوجه شدم که مرد میانسال با مادرم ارتباط دارد و با وجود اینکه صاحب خانواده است قصد دارد با مادرم ازدواج کند برای همین ناراحت شدم و به بهانه خرید خودروی شخصی‌اش با او قرار ملاقات گذاشتم و او را به قتل رساندم. بعد از ارتکاب قتل، جسد را داخل صندوق عقب خودرویش گذاشتم و به سمت شهرستان کازرون رانندگی کردم. سپس جسد را در بیابان‌های حاشیه شهر آتش زدم و آن را دفن کردم که بازداشت شدم.

بررسی‌های بعدی پلیس نشان داد که جسد از سوی پلیس شهرستان کازرون کشف و به عنوان فرد ناشناس دفن شده است. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون جرائم جنایی آگاهی پایتخت گفت که تحقیقات بیشتر از مادر و پسر در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

هزینه ۱۰ میلیونی برای طی کردن آموزش سرقت

■ آرمین بینا

پسر جوان وقتی سرمایه‌اش را در بازار ارز دیجیتال از دست داد، برای به دست آوردن سرمایه با پرداخت ۱۰ میلیون تومان دوره آموزش سرقت را سپری کرد. متهم پس از آن باند پنج نفره موبایل‌قاپی را تشکیل داد و دست به سرقت‌های سریالی زد تا اینکه بازداشت شد.

یکی از روزهای پایان اردیبهشت ماه امسال زن جوانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از دو سارق موتورسوار به اتهام سرقت گوشی تلفن همراهش شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل از محل کارم در یکی از خیابان‌های شمالی تهران بیرون آمدم و در پیاده‌رو به طرف ایستگاه مترو در حال قدم زدن بودم. لحظاتی بعد تلفن همراهم زنگ خورد و از کیفم بیرون آوردم و با یکی از دوستانم شروع به صحبت کردم. هنوز مسافت زیادی را طی نکرده‌بودم که پسر جوانی از پشت سر به من نزدیک شد و در کمتر از ثانیه‌ای تلفن همراهم را از دستم قاپید و با سرعت باد سوار موتورسیکلت همدستش داخل خیابان شد و از محل دور شدند. من لحظه اول هاج و واج مانده‌بودم و وقتی به خودم آمدم، اثری از سارقان نبود و داد و فریاد من هم نتیجه‌ای نداشت. من چند روز قبل گوشی را که آخرین مدل یک مارک معتبر است، خریدم، اما خیلی زود هم از دست دادم.»

■ **باند تازه‌کار**

با شکایت زن جوان، پرونده به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت برای رسیدگی در اختیار تیم زبده‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. همزمان با ادامه تحقیقات چند زن و مرد دیگر هم به اداره پلیس رفتند و برخی از دو و برخی از سه موبایل‌قاپ موتورسوار شکایت کردند. بررسی شکایت‌ها حکایت از آن داشت سارقان باند پنج نفره‌ای هستند که در تیم‌های دو و سه نفری با موتورسیکلت در خیابان‌های شمالی و شمال غربی دور دور می‌کنند و پس از انتخاب طعمه‌های خود در فرصت مناسب تلفن همراه آنها را سرقت می‌کنند.

مأموران پلیس در بررسی دوربین‌های مداربسته چهره بعضی از سارقان را به دست آوردند و مشخص شد سارقان باند تازه‌کاری هستند که در آلبوم مجرمان سابقه‌دار هیچ اثری ندارند.

■ **آخرین سرقت**

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، به کارآگاهان پلیس آگاهی خبر رسید صبح روز یک شنبه ۲۵ تیرماه مأموران پلیس حین گشت‌زنی در یکی از خیابان‌های غربی دو موتور سوار موبایل‌قاپ را دستگیر کرده‌اند. یکی از مأموران گفت: «در حال گشت‌زنی بودیم و دیدیم موتورسیکلتی با دو سرنشین به زن جوانی که در حال صحبت با گوشی همراهش بود، نزدیک شدند و در یک چشم به هم زدن تلفن همراه او را از دستش قاپیدند و گریختند. با دیدن این صحنه سارقان را تعقیب کردیم و موفق شدیم پس از طی مسافتی آنها را دستگیر کنیم.»

وقتی دو متهم به اداره آگاهی منتقل شدند، کارآگاهان دریافتند متهمان دستگیر شده دو نفر از اعضای همان باند تازه‌کار هستند که دست به سرقت‌های سریالی می‌زنند.

سرکرده ۲۲ ساله باند که شهراد نام دارد در بازجویی‌ها به موبایل قاپی‌های سریالی با همدستی چهار نفر از دوستانش اعتراف کرد و مأموران هم شامگاه یک‌شنبه ۲۵ تیرماه سه عضو باقیمانده این باند را بازداشت کردند. متهمان صبح دیروز در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کردند و در ادامه برای تحقیقات بیشتر و شناسایی مالباختگان در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

گفت‌وگو با سرسته باند

شهراد سابقه‌داری؟

نه، ما تازه دو ماه بود که شروع به موبایل‌قاپی کرده‌بودیم.

معتادی؟

نه اعتیاد هم ندارم. البته سیگار می‌کشم.

چه شد که تصمیم گرفتی باند سرقت تشکیل بدهی؟

سرمایه‌ام را از دست داده‌بودم و می‌خواستم پولدار شوم.

چرا؟

من در کار خرید و فروش تنباکو بودم و وضع مالی‌ام بد نبود، اما مدتی قبل یکی از دوستانم تشویقم کرد وارد خرید و فروش ارز دیجیتالی شوم. او گفت پول خوبی در این کار است و خودش هم پولدار شده‌بود. من تمام سرمایه‌ام را وارد خرید و فروش ارز دیجیتالی کردم، اما از من کلاهبرداری کردند و تمام سرمایه‌ام را از دست داد، حتی برای اجاره خانه‌ام مانده‌بودم و صاحبخانه‌ام هر چند روز یک‌بار تهدید می‌کرد اسباب و اثاثیه‌مان را بیرون می‌ریزد تا اینکه با یکی از خلافکاران معروف محله‌مان آشنا شدم و او پیشنهاد داد سرقت کنم. او گفت حاضر است به من آموزش سرقت بدهد و گفت خیلی زود پول از دست رفته‌ام را به دست می‌آورم.

پس آموزش سرقت هم دیدی؟

بله. البته او معروف است و برای آموزش هم هزینه می‌گیرد. من دو ماه آموزش دیدم و مبلغ ۱۰ میلیون تومان هم دستمزد به او دادم. در این دو ماه علاوه بر آموزش مرا همراه خودش به سرقت می‌برد. قرار بود تنهایی موبایل‌قاپی کنم، اما چندباری که برای موبایل‌قاپی به خیابان رفتم، ترسیدم و به همین خاطر تصمیم گرفتم باند سرقت تشکیل بدهم.

اعضای باند را می‌شناختی؟

بله. همه ما هم سن و سال و بچه یک محل هستیم.

چه شد که شما سردسته باند شدی؟

من آموزش دیده‌بودم و حرفه‌ای‌ام. الان در کمتر از سه ثانیه موبایل را از دست افراد می‌قاپم. همه دوستانم مرا قبول دارند.

موبایل‌های سرقتی را چند می‌فروختید؟

ما معمولاً فقط دو مارک سامسونگ و شیائومی سرقت می‌کردیم. قبل از سرقت هم همیشه در فضای مجازی آخرین مدل‌های گوشی‌ها را می‌دیدیم و اگر طعمه ما آن گوشی‌ها را در دست داشت، سرقت می‌کردیم. معمولاً گوشی‌های سرقتی بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان ارزش داشتند، اما ما بین ۳ تا ۵ میلیون تومان می‌فروختیم.

در این مدت خودت هم گرفتار سارقی شدی؟

بله. یکی از خاطره‌های فراموش نشدنی من است. چند هفته قبل داخل خیابان همراه یکی از دوستانم بودم که تلفن همراهم زنگ خورد و همان لحظه سارق موتورسواری گوشی‌ام را قاپید و فرار کرد. واقعاً یاد ضرب‌المثلی افتادم که میگه دزد از دزد بزنه شاه دزده.

گذرنامه زیارتی ۵ روزه صادر می‌شود

سخنگوی فرماندهی انتظامی کشور گفت: گذرنامه زیارتی از زمان ثبت درخواست تا تحویل، سه تا پنج روز کاری به در منزل متقاضیان خواهد رسید.

به گزارش جوان، سردار سعید منتظرالمهدی گفت: براساس بررسی‌های پلیس، خیل عاشقان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در راهپیمایی اربعین چشمگیر خواهد بود، به همین دلیل براساس رایزنی و مذاکرات به عمل آمده با وزارت کشور ایران و دولت عراق و تفاهم صورت گرفته با پلیس، قرار است گذرنامه زیارتی برای متقاضیان عتبات عالیات صادر شود.

سخنگوی فراجا ادامه داد: صدور گذرنامه زیارتی با یک‌هشتم قیمت و در کمترین زمان برای ایام محرم و صفر در دستور کار پلیس قرار گرفته است و اعتبار گذرنامه‌های زیارتی مانند دیگر گذرنامه‌ها پنج سال است و صرفاً برای سفر به عتبات عالیات در ماه‌های محرم و صفر در نظر گرفته شده است. البته رایزنی‌های لازم با طرف عراقی برای استفاده در سایر ایام سال نیز در دستور کار قرار دارد.

وی افزود: هزینه صدور گذرنامه حدود ۵۰ هزار تومان برآورد شده که در مقایسه با گذرنامه عادی خیلی ارزان‌تر و حدود یک‌هشتم قیمت است.

به گفته منتظرالمهدی، گذرنامه زیارتی از زمان ثبت درخواست تا تحویل بین سه تا پنج روز کاری به در منزل متقاضیان خواهد رسید.

سخنگوی فراجا در خصوص زمان دریافت گذرنامه گفت: فرآیند ثبت و درخواست گذرنامه زیارتی صرفاً از طریق اپلیکیشن «پلیس من» انجام می‌شود و کسانی که امکان استفاده از اپلیکیشن برایشان دشوار است، می‌توانند با مراجعه به دفاتر اداره مهاجرت و گذرنامه در مراکز استان‌ها (نه دفاتر پلیس +۱۰) در سراسر کشور درخواست خودشان را ثبت و ارسال کنند.

وی در پایان گفت: پلیس از بهمن‌ماه سال گذشته بالغ بر ۴۰۰ هزار گذرنامه برای متقاضیانی که در سال‌های گذشته برگه تردد زیارتی دریافت کرده و موفق نشده بودند گذرنامه دریافت کنند، گذرنامه بین‌المللی صادر و به در منزل آنها ارسال کرده‌است.

بازداشت زورگیران شیطان صفت

مجرمان سابقه‌دار که در پوشش مسافربر به زنان تعرض و اموالشان را سرقت می‌کردند، بازداشت شدند.

تیرماه امسال بود که شکایت‌های مشابه درباره تعرض به زنان مسافر در پلیس آگاهی شهرستان مرودشت مطرح شد. شاکیان در توضیح شکایت گفته‌بودند به عنوان مسافر سوار بر خودروی مسافربر شخصی شده‌بودند که راننده و دو سرنشین خودرو به آنها تعرض و اموالشان را سرقت کرده‌اند. یکی از شاکیان گفت: قصد داشتم از شهر صدرا به شیراز بروم. کنار خیابان سوار یک خودروی کوئیک شدم که به جز راننده که مردی جوان بود، دو مرد دیگر سوار آن بودند. حوالی شهر مرودشت ناگهان راننده به سمت بیابان‌های اطراف شهر تغییر مسیر داد. وقتی اعتراض کردم دو مسافر دیگر من را تهدید کردند. فهمیدم که در دام اعضای باند گرفتار شده‌ام. آنها با تهدید به من تعرض و پول و طلاهایم و اموالم را سرقت کردند و بعد من را رها و فرار کردند. با اطلاعاتی که شاکیان در اختیار پلیس گذاشتند، تحقیقات در این‌باره به جریان افتاد و مأموران موفق شدند خودروی مورد نظر را در یکی از خیابان‌های مرودشت شناسایی و سه متهم را بازداشت کنند. متهمان ۲۳، ۲۷ و ۳۵ ساله در جریان بازجویی‌ها به هشت فقره تعرض به همراه سرقت اعتراف کردند. سرهنگ فرشید زینلی، فرمانده انتظامی مرودشت گفت که ارزش اموال سرقت‌شده ۲ میلیارد تومان بوده‌است. وی گفت بررسی سوابق مجرمان نشان داد که آنها از مجرمان سابقه‌دار هستند که قبلاً به اتهام آدم‌ربایی، سرقت همراه با آزار، تهدید با سلاح سرد بازداشت شده‌بودند. تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر متهمان جریان دارد.

آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۸۴۶۲ و به شماره ثبت ۷۵۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد حساب سود و زیان و ترازنامه برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ تصویب گردید. موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشا منش به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ بعنوان بازرس اصلی و شرکت حسابرسی کوثر بنیاد تعاون بسیج شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۱۸۶۶۰ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار جوان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۳۰۹۳۸)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه ضحی مهرآرا فرزند ابراهیم شماره شناسنامه ۱۰۸۹ و به شماره ملی ۰۶۸۱۹۷۱۶۸۱ بجنورد به استناد دو برگ استشهاد گواهی امضا شده منظم به تقاضای کتبی به شماره ۶۴۴۴-۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۵ جهت دریافت یک برگ سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ پلاک ۳۳۷۱ فرعی از ۱۶۷ اصلی واقع در بخش یک بجنورد و به شماره چاپی ۹۹۰۳۴۷ به علت جابجایی مفقود شده است که ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۷۱۱۵۰۰۷۱۶۵ بنام نامبرده ثبت و سند مالکیت صادر گردیده است و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد، لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نمایند، بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار قانونی ساقط است.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷
شناسه آگهی: ۱۵۳۲۲۸۶

اکبر اقبالی
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو پژو SD ۲۰۶TU۵ مدل ۱۳۹۹ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۷۷ ۳۳۶ ق ۵۸) به شماره موتور ۱۶۷B۰۰۸۰۷۱۹ و شماره شاسی NAAP۴۱FE۵LJ۰۶۹۰۰۹ متعلق به علی نوری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

مفقودی

کارت خودرو سواری دوو سی یلو مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۴۴ - ۲۴۲ هـ ۹۴) به شماره موتور ۰۱۸۲۵۹H و شماره شاسی IR۸۲۱۶۵۰۶۵۲۰۹ متعلق به عبداله راضی قرخلو مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز